

## ارگان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

### جنگ، آری یا نه؟

نوشین شفاهی

بدنبال تصویب لایحه بودجه دفاعی آمریکا توسط اوپاما و تشدید تحریمهای اقتصادی، از جمله مجازات شدید علیه هرگونه معامله ای با بانک مرکزی ایران، و نیز موافقت اصولی کشورهای اتحادیه اروپا با تحریم بانک مرکزی و خرید نفت از ایران که با اعزام ناوگانهای جنگی آمریکا، فرانسه و انگلستان به خلیج فارس توأم بود، سیل هشدارها و تحلیل های کارشناسان جهانی مبتنی بر احتمال قریب الوقوع بودن حمله نظامی علیه ایران شدت دیگری به خود گرفته است که بنوبه خود عکس العملهای متناقضی را در سطح اپوزیسیون موجب شده است. یک نظرگاه احتمال جنگ را اگر ناممکن نداند به اما و اگرهای فراوانی آنرا مشروط میکند و نگاهی دیگر که جنگ را محتمل می بیند و چه بسا نه در آینده ای خیلی دور. هر دو ی این برخوردها منطق تحلیل و ارزیابی شان را بر فاکتها و داده های موجود سیاسی و کارکردهای موقعیت و اوضاع سیاسی هم آمریکا و ناتو و هم خود ایران سوار کرده اند هرچند با روایتهای مختلف. ولی آنچه که حائز اهمیت است در طی چند ساله اخیر هرگز اینچنین میدیا و مفسران سیاسی همزمان بر سر این موضوع توافق نظر نداشته اند، و آن حمله نظامی بسیار محتمل علیه ایران است. دستکم به گواه تفسیرها و تهدیدها و ارتباطات و فعل و انفعالات نظامی اخیر از زبان مراجع رسمی و تصمیم گیرنده آمریکا، اسرائیل و کشورهای متحد آمریکا در اتحادیه اروپا شیخ جنگ بر فراز ایران در حرکت و شمارش معکوس شروع شده است. ولی از آنطرف به استناد همین جنگ روانی، دستکم سه چهار سال قبل این جنگ می باید اتفاق افتاده باشد که و بخشا هم واقعیت دارد.

این دیپلماسی تبلیغی همانند دوران جنگ سرد بیشتر از کانال هوچی گران میدیای جهانی- رویترز و نیویورک تایمز، سی ان ان و فاکس نیوز- الجزیره و... و توسط مفسران وال استریت ژورنال، کارشناسان مزدور صهیونیسم، و همگی کارگزاران رسمی و غیر رسمی آمریکا ارکستریت شده و همگی اینان در کنار وزارت دفاع آمریکا عوامل این تشنج در افکار عمومی بوده اند.

بقیه در صفحه ۲

### تعیین دستمزد بصورت فصلی!

### تحمیل دستمزدی ارزان و لرزان بر کارگران

اخیرا شورای عالی کار از کمیته های استانی برای «تعیین دستمزد به صورت فصلی» نظرخواهی کرده است. اینکه جواب این کمیته ها به نظرخواهی شورای عالی کار مبنی بر تغییر در قانون تعیین دستمزدها که با ماده ۴۱ قانون فعلی کار نیز مغایر است، چی بوده و یا چه خواهد بود، فعلا قضاوتی نمیکنیم ولی قرائن وشواهد نشان میدهند که تدابیر این باصطلاح «شورای عالی کار» چیزی نیست جز جهت مقابله با بحران فزاینده اقتصادی و تورم افسارگسیخته ای که از هم اکنون زنگ های خطر را برای گردانندگان جمهوری اسلامی به صدا درآورده است. اینک روند افزایش سطح تورم بویژه با تشدید محاصره اقتصادی توسط کشورهای امپریالیستی به سمتی غیرقابل کنترل روانه گشته است. رشد تورم، به همراه افزایش بیکاری و گرانی ( که همواره نه باسطح تورم بلکه از آن فراتررفته وبا ولع سیری ناپذیر سرمایه داران درنوسان است) نمیتواند عوارضی همچون تشدید وگسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری را درپی نداشته باشد. و بدون تردید یکی از این اعتراضات درحوزه شاغلین مشمول قانون کار افزایش دستمزدها درسطح تورم خواهد بود. ماده ۴۱ قانون فعلی کار که دراصلاحیه اخیر نیز تغییرات محسوسی درآن بوجود نیامده است میگوید:

ماده ۴۱- شورای عالی کار همه ساله موظف است، میزان **بقیه در صفحه ۷**

### سالی که گذشت و سالی که در پیش است

یدی شیشوانی

اکنون این سوال مطرح است که آیا در سال جدید جنبشهای اجتماعی در ایران و در راس آنها جنبش کارگری، از آنچنان آگاهی و سازمانیابی و رزمندگی برخوردار خواهند شد که جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و بر سرنوشت خویش حاکم شوند؟ یا بقول عوام « بعد از سوریه نوبت ایران » است و طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم ایران در سال ۲۰۱۲ نیز سرنوشت خویش را بدست باد خواهند سپرد.

بقیه در صفحه ۵

### بیاد چهار آذرخش ترکمن

مرآت بهرنگ

ماه بهمن برای کسانی که وقایع و رخدادهای سیاسی ایران را دنبال می کنند و یا در بطن این رخدادها بودند و هستند ماه ناشناخته ای نیست، زیرا در این ماه وقایع تاریخی مهمی رخ داده و همچنین جنایتهای بی شماری به خلقهای ستم دیده ایران، چه از طرف رژیم سلطنتی ( پدر و پسر ) و چه از طرف رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی ایران اعمال شده است. و مجددا فرصتی را فراهم ساخته تا در این مورد سخن گفته شود. موضوع بحث این مقاله را اختصاص می دهیم به خلق ترکمن

بقیه در صفحه ۳

### مراسم بزرگداشت

### ماموستا عزالدین

### حسینی

روابط عمومی

باخبر شدیم که جمعیت کردهای مقیم فرانسه قصد دارند مراسمی را بمناسبت یکمین سالگرد درگذشت ماموستا عزالدین **بقیه در صفحه ۵**

### در این شماره

- صفحه اول
- صفحه اول
- صفحه اول
- صفحه اول
- صفحه اول
- صفحه ۳
- صفحه ۶
- صفحه ۸

- جنگ، آری یا ...
- تعیین دستمزد ...
- سالی که گذشت و ...
- بیاد چهار آذرخش ترکمن ...
- مراسم بزرگداشت ماموستا ...
- کشتار کولبران کرد توسط ...
- سال جدید میلادی ...
- تسلیمت به خانواده ...

جنگ، آری یا نه؟ ...

نهایتاً باور عمومی بر این است که جنگ بطرز خطرناکی به مردم ایران تحمیل خواهد شد. همانطور که سلاحهای کشتار جمعی در عراق و مبارزه با دیکتاتوری و دیوانه گری قذافی، توسط همگی این کارگزاران توجیه اشغال نظامی و کشتار مردم بیگناه توسط امپریالیسم آمریکا شد، اکنون تاسیسات هسته ای ایران قرار است این جنگ را به افکار عمومی بفروشد. البته ظاهراً و رسماً هم دولت بوش و هم کابینه او با ما ضمن اینکه تاکید بر عدم تحمل ایجاد تاسیسات اتمی از جانب ایران و تلاش در جهت غنی سازی اورانیوم را داشته اند، ضمن هشدارهای مداوم به رژیم ایران، در ظاهر مذاکره و دیپلماسی را گزینه اول دانسته اند ولی همزمان هم با براه اندازی سلسله جنگهای روانی با همیاری میدیای جهانی سعی کرده اند که ایده جنگ نظامی علیه ایران را، هم به مردم آمریکا و هم به افکار عمومی جهان بفروشند. در کنار این جنگ روانی، تاریخ سیاست خارجی آمریکا ثابت می کند که یکی از مهمترین تاکتیکهای نظامی آمریکا ایجاد یک جو سیاسی- روانی و خوراندن یک سوژه ظاهراً پرو دمکراسی به افکار عمومی بوده جهت توجیه ایجاد تسلیحات عظیم نظامی در جوار منطقه هدف گرفته شده. که متعاقب آن اگر هر المنت پیش بینی شده و نشده ای، تعادل آن گزینه دیپلماسی را مختل کند و یا کشور مورد بحث به شرایط و تقاضاهای آمریکا پاسخ دلخواه ندهد، بلادرنگ کشیدن ماشه اولین گلوله در دستور کارش قرار گرفته باشد. از افغانستان و عراق و لیبی گرفته تا تاریخ کمی پیشترش، مبین این "ترید مارک" سیاسی امپریالیسم آمریکا بوده است.

بنابر همین برداشت و تحلیل تاریخی، طبعاً دور از واقعیت هم نرفته ایم که اگر این هشدارها را جدی گرفته باشیم. این خلاصه ای از فعل و انفعالات نظامی و قراردادهای تسلیحاتی آمریکا در منطقه از همین چند سال اخیر است:

- در اکتبر ۲۰۱۰ آمریکا قرارداد ۶۷ میلیارد دلاری ای با عربستان سعودی مبنی بر تامین بمبهای پناهگاه شکن، جت‌های جنگنده اف-۱۵، هلیکوپترهای "بلاک هاک" و "آپاچی"، موشکهای پاتریوت-۲، و کشتی های جنگی را به امضاء رساند که در حقیقت یکی از بزرگترین قراردادهای تسلیحاتی دوطرفه در تاریخ آمریکا بوده است.

- در نوامبر ۲۰۱۰ به اظهار وال استریت ژورنال، آمریکا هزارها موشک پیشرفته پناهگاه شکن و جنگ افزارهای دیگر در اختیار امارات متحده عرب میگذارد، بعنوان بخشی از تلاشهای فزاینده آمریکا برای ایجاد یک ائتلاف منطقه ای علیه ایران.

- همچنین آمریکا در نظر دارد که استینگر و موشکهای دیگری را در اختیار عمان قرار دهد.

- کویت هم معامله ۹۰۰ میلیون دلاری برای خریداری موشکهای پاتریوت امضاء کرده است.

- معامله ۵۳ میلیارد دلاری اسلحه با بحرین هم هنوز در دستور کار آمریکا وجود دارد و اگر به

تعویق افتاده است بخاطر فشار مراکز و مراجع قانونگذار بین المللی و مدافعین حقوق بشر بوده است. این خرجهای عظیم نظامی فقط میتواند با این هدف متحمل شده باشد که ایران را در یک محاصره تسلیحات نظامی، اگر به عقب نشینی وادار نکند، حمله نظامی را به سرنوشتش رقم زده باشد. تمامی این برنامه های نظامی مستقیماً زیر نظر وزارت دفاع آمریکا انجام گرفته شده و بمنظور آمادگی برای حمله نظامی به ایران که بارها خود مسئولین پنتاگون به این مسئله اذعان داشته اند. در واقع بودجه عظیم نظامی آمریکا برای سال جاری ۲۰۱۲ و تحکیم مناسبات نظامی-سیاسی با متحدینش در منطقه، بتنهایی دلایل صریحی برای یک جنگ احتمالی علیه ایران است. ولی علیرغم تحلیل بسیاری از مفسران سیاسی-نظامی آمریکا و افسران ارشد سابق سیا که این حمله را قریب الوقوع می بینند ( حتی در سال گذشته به اعتقاد برخی از این کارشناسان، ایران می باید در تاریخ سپتامبر ۲۰۱۰ مورد حمله قرار میگرفت!) این احتمال اگرچه بنظر من قابل باور است ولی نه از لحاظ زمانی. دستکم نه در سال



جاری و یا به این زودی، بلکه احتمالاً در دو سه ساله آتی. یکی از دلایلی که مانع این شتابزدگی نظامی با نتایج بسیار مخرب و پیش بینی شده اش میشود، جریان انتخابات آمریکا است. او با ما هدف اصلی خود را تلاش برای احیای اقتصاد آمریکا و سرمایه گذاریهای جدید و ایجاد اشتغال قرار داده است چرا که بدون بهبودی شرایط وخیم اقتصادی و تغییر و تحولی در این زمینه، موقعیت خود و حزبش را در این دور انتخاباتی امسال به مخاطره می اندازد. او با ما فعلاً تمام امیدش در این است که تا زمان انتخابات هر چقدر میتواند برای خودش زمان بخرد. با این امید که این تحریم های جدید اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی را تا آنجا که میتواند به تن دادن به محدودیتهای و شرایطی مذاکره بکشاند و جمهوری اسلامی دست به تحرکات و موضعگیریهای تشنج آمیز نزند که زمینه را برای رای دهندگان آمریکایی برفع جمهوری خواهان تغییر دهد. اضافه بر آن خود تحریم نفتی ایران نگرانی های زیادی را در بازار مالی و قیمت بنزین و گازوئیل بوجود خواهد آورد که هم در ایران و هم در آمریکا امکان بروز سلسله اعتراضات و ناراضیاتی های عمومی را دامن خواهد زد. ولی بهر رو آمریکا نگریر است که فعلاً با تامل بیشتری به این قضیه برخورد کند. حتی در رابطه با اسرائیل ضمن ابراز تعهد رخنه ناپذیر آمریکا

در قبال امنیت آنها، توصیه کرده است که بدون مشورت قبلی با آمریکا از هر گونه تحرک نظامی علیه ایران خودداری کنند و منتظر باشند تا زمانیکه تاثیر این تحریم ها و فشارهای اقتصادی رژیم را عملاً زمینگیر کرده باشد. از طرف دیگر جمهوری خواهان که روی گینگریچ و رامنی بیشترین حسابها را برای بردن انتخابات کرده اند، جان بولتن سفیر سابق آمریکا در یو ان یک مهره تعیین کننده در سیاستهای خارجی این حزب در صورت پیروزی خواهد بود. جان بولتن بعنوان یکی از قاطع ترین عناصر در ژوئن گذشته خطاب به یکی از نماینده مجلس گفت که ایران بهتر است بمباران شود و از مجاهدین برای رسیدن به قدرت حمایت کرد. جان بولتن رو به کمیته امور خارجی مجلس نماینده گان در آن تاریخ گفت: " من حدوداً سه سال است که در مورد اعمال حمله نظامی به ایران دارم تلاش میکنم". آقای گینگریچ پیشنهاد پست وزارت امور خارجه در کابینه اش را به جان بولتن کرده است ولی خود بولتن، خود را بیشتر در کنار سیاستهای خارجی میت رامنی می بیند تا گینگریچ. در حال حاضر طبق آخرین رای گیری، گینگریچ جایگاه بالاتر از رامنی بخود اختصاص داده که در صورت موفقیت جمهوری خواهان چه در کابینه رامنی یا گینگریچ، بولتن شیفتر برجسته ای را در سیاست آمریکا بطرف جنگ علیه ایران باعث خواهد شد. با همه اینها چه رخ خواهد داد را نمیشود صد در صد پیش بینی کرد ولی احتمال این جنگ وجود دارد و مطمئناً با موج اعتراضات و جان گرفتن مجدد جنبش خیابانی زمان و نحوه این دخالتگری نظامی شفاقت تعیین خواهد شد. رژیم جمهوری اسلامی هم علیرغم هارت و پورتهای تو خالی بعضی ار عناصر خودی و یا نصیحت گران خارج از کابینه اش، معضلات جدیدتری در نتیجه تحریم نفتی در پیش رو دارد که مجبور است بسیار حسابگرانه به واکنش های رسمی اش نسبت به این موضوع برخورد کند که بحران بیشتر از این روی سرش آوار نشود. بخصوص در شرایطی که حتی نزدیکترین متحدین اقتصادی اش- چین- موضعگرهای دو پهلو و تردیدآمیزی در قبال تحریم جدید نفتی اتخاذ میکنند.

جریانهایی که سرنوشت جنبش را به تحلیل های " تضاد اصلی و فرعی" گره زده اند، ناگزیر خود را در کنار نه فقط اپوزیسیون راست و ضد انقلابی بلکه در کنار خود رژیم خواهند یافت. با کارکرد سرمایه داری و نیازها و ملزوماتش در عصر گلوبالیزاسیون، صحبت از اصلی و فرعی کردن مبارزه طبقاتی، جنبش انقلابی را به ماماشات و مصالحه با ارتجاع محلی و در کنار دشمنان و قاتلین طبقه کارگر و کمونیستها فرا میخوانند.

اخیراً با انگیزه جانبداری کردن از طبقه کارگر و مبارزه با امپریالیسم عده ای به اسم طرفداران جنبش فدایی ( کرکسها متحد میشوند) یک بیانیه ای صادر کرده اند که در کنار شعارهای کلیشه ای بسیار راست و غیر طبقاتی به مسئله جنگ و رژیم برخورد میکند. گذشته از مرزبندی ظاهری اش با اپوزیسیون شوونیستی فارس و پرو غرب، مبارزه طبقاتی را تا سطح دفاع از وطن تنزل میدهد و خواستار عضویت

بقیه در صفحه ۳

جنگ، آری یا نه؟ ...

دائمی در شورای امنیت میشود. سؤال اینجاست چه کسانی و یا چه دولتی قرار است نمایند این هموطنان! در شورای امنیت باشند و قرار است از کدام منافع و مطالبه دفاع کنند؟! در حال حاضر که ما یک رژیم فاشیستی حافظ سرمایه داری را در این ایران موضوع این بیانیه داریم که مسئول کشتار میلیونی توده های ستمدیده از طریق بمباران کردستان، جنگ ارتجاعی و قتل و عام سراسری سی سال و اندی است. حال باید پرسید عضویت دائمی این رژیم در شورای امنیت غیر از مشروعیت بین المللی برای رژیم اسلامی و نورمالیزه کردن یک رژیم هار و حشی بعنوان نماینده وطن! چه پیروزی ای قرار است برای جنبش طبقاتی ببار آورد. این رژیم نه تنها در شورای امنیت بلکه در تمامی نهادها و ارگانهای بین المللی باید اخراج و ایزوله شود. این بیانیه نیازی هم در توضیح این نمی بیند که چرا مردم باید این رژیم را به یک رژیم مثلا وابسته (بقول اینان " ..رژیمی با مهره های وابسته به غرب") به غرب ترجیح دهند، به خود رژیم توصیه میکند که باید از لیبی درس بگیرد و تنها به دوستی با خارج کفایت نکند و بهتر است که جنگ را جدی بگیرد و تن به خویشتن داری و مذاکره و تشنج زدایی دهد. این بیانیه یک موضعگیری رجوع به مبدأ ۵۹ به بعد اکثریت است و ربطی به آنچه که جنبش فدایی با آن تداعی میشود ندارد. این بیانیه رژیم را از تیررس مستقیم مردم به بهانه احتمال جنگ به در میکند. از تغییر رژیم (نه سرنگونی..) توسط زحمتکشان حرف میزند و از وطن در محاصره نیروهای مسلح منطقه و غیر منطقه دم میزند، انگار نه انگار که سی و دو سالی است که مردم توسط این رژیم فاشیستی مثلا غیر مزدور به گروگان گرفته شده اند.

بنظر من باور کردن به وقوع احتمالی این جنگ و یا صرفا تبلیغات پنداشتن آن آنقدر در موقعیت جنبش انقلابی بویژه چپ رادیکال تعیین کننده نبوده، آنقدر که موضعگیری سیاسی از قبل این تحلیلیها و توجیه لیبرالیزه کردن جنبش انقلابی و فروختنش به تئوری ورشکسته دفاع از وطن مخرب و ضد انقلابی است. کمونیستها و مدافعین طبقه کارگر اگر دخالتگری نظامی از جانب هر قدرتی را محکوم میکنند نه بخاطر اینکه سرکوب شدن و بغارت رفتن از یک خودی را گوارا تر میدانند تا از یک نیروی خارجی. بلکه اتفاقا بخاطر انگیزه اصلی ای است که این حمله ها و دخالتگریها رخ میدهد و اهدافی است که بخاطرش میلیاردها دلار خرج میشود. و برآستی هم تجربه مصر و لیبی و تجارب پیشتر تاریخ آمریکا نشان میدهد، منظور فقط جنبش انقلابی توده ها، شبح کمونیسم و احتمال قدرت گیری چپ و در کنارش دستیابی به بازار کالا و منابع طبیعی و آنچه که سرمایه داری را فریه تر کرده و یا از بحرانش رهایی دهد. نهایتا منظور سود بیشتر و دوام یک سیستم جهانی غارتگر و دزد است. جای ما در کنار زحمتکشان و جنبش آنان است و علیه هر نیرو و سیستمی که در مقابل مطالبات و حقوق انسانی و منصفانه آنان ایستاده و خواهد ایستاد. دمیدن در شیپور انقلاب جهت براندازی این سرطان اسلامی

و مقابله با هر گونه دخالت خارجی در کنترل کردن این انقلاب وظیفه هر کمونیست و آزادیخواه و هر جریان انقلابی است. \*

زنده باد سوسیالیسم.

### کشتار کولبران کرد توسط ارتش فاشیست ترکیه را قویا محکوم میکنیم !



شب گذشته هواپیماهای ارتش فاشیست ترکیه در ادامه حملات جنون آمیز و جنایتکارانه علیه مردم بی دفاع کرد، کولبرانی را که کالاهایی نظیر شکر و سوخت را به قاچاق از کردستان عراق به

کردستان ترکیه حمل میکردند مورد حمله قرار دادند. و طی این اقدام ضد انسانی بیش از ۳۵ تن از این افراد زحمتکش کشته شده و تعدادی نیز بشدت مجروح گردیدند. ارتش جنایتکار ترکیه اقدامات ضد انسانی خویش بر علیه زحمتکشان کرد را با عملیات بر علیه چریکهای حزب کارگران کردستان PKK همواره توجیه نموده اند. عملیات جنایتکارانه و وحشیانه دولت ترکیه علیه مردم زحمتکش کرد و چریکهای رزمنده آنها هرگز در اراده آنها برای مبارزه علیه جنایت و توحش حاکمان بر ترکیه خلی وارد نخواهد ساخت. رژیمهای جنایتکار ترکیه و ایران روزی نیست که کولبران زحمتکش را آماج حملات بیشرمانه خویش قرار ندهند. ما ضمن محکوم نمودن چنین عملیات ضد انسانی توسط ارتش فاشیست ترکیه بر علیه زحمتکشان بی دفاع کرد، خود را در غم و اندوه بازماندگان قربانیان شریک میدانیم. و افکار عمومی را به موضع گیری جدی در برابر چنین اقدامات جنایتکارانه ای فرا میخوانیم !

زنده باد اتحاد و همبستگی بین المللی

زنده باد سوسیالیسم

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران برقرار باد جمهوری فدراتیو شورایی ایران !

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست - کمیته ایالتی کردستان

بقیه از صفحه اول

بیاد چهار آذرخش ترکمن ...

برای شناخت از مبارزات ملتی باید تاریخچه آن ترکمن صحرا ( ترکمنستان ایران ) زیست می کنند که بخشی از ملت ایران است و سابقه تاریخی آنها به زمانهای طولانی برمی گردد. ترکمن های ایران همانطور که در اسناد و تاریخ قید شده ملتی آرام با خصوصیات ژنیتیکی خاص خودشان و از نقطه نظر ژئوپولتیکی از نژاد هند اروپایی هستند که از

منطقه جنوب شرقی چین برای زیست بهتر و یافتن چراگاه های مرغوب به سمت جنوب حرکت کردند که رهبری این گروه را در آن مقطع شخصی بنام "اغوز" به عهده داشت. ملت ترکمن مردمانی بودند که زندگی خودشان را با دامداری می گذراندند و همین مسئله باعث می شد که برای بدست آوردن مراتع مرغوب مدام در کوچ و جابجایی بودند و این امر ساده ای نبود، زیرا در این جابجایی ها مجبور می شدند همیشه با دولتها در کشاکش و ستیز باشند. و این روحیه نسل به نسل انتقال پیدا کرده است. بخشی از این ملت در شمال ایران که اکنون به استان گلستان مشخص می شود ( البته بخشی اعظمی که در خارج کشور چه بصورت تبعید یا مهاجر مورد بحث ما نیست، این مورد را به مقاله بعدی واگذار می کنیم ) سکن گزیدند و به پرورش حیوانات پرداختند و بخشی هم بعد از اسکان یافتن به کشاورزی روی آوردند.

خلق ترکمن که بخش عمده آنها در ایران در استان گلستان زیست می کنند از دور ورود به این منطقه تحت فشارهای حاکمان مستبد زمان قرار داشتند، زنان آنها مورد تجاوز قرار می گرفت، با وجود پرداخت مالیاتهای سنگین هم به ایران و هم به دولت تزار روسیه، با این وجود از هیچ حقوق شهروندی برخوردار نبودند، و در صورت اعتراض یا به زندانهای دراز مدت و یا تبعید به مناطق دیگر می شدند و این اجحاف و ستم باعث پراکندگی بیش از حد را بدنبال داشت. خلق ترکمن در طی این پروسه تاریخی همیشه سعی بر این داشته تا بتواند منسجم بر علیه حاکم زمان عمل کند. برای مثال می توان از مبارزه ترکمنها در همین صده اخیر را برشمرد. شرکت داشتن در قیام افسران خراسان به رهبری کنل محمد تقی خان پسیان، قیام گیلان به رهبری میرزا کوچک خان، حضور در دولت دمکرات آذربایجان به رهبری پیشه وری، قیام ترکمنها به رهبری عثمان آخون در همان زمان و ایجاد جمهوری دمکرات ترکمن، قیام شیلات ( کارگران و ماهیگیران شیلات ) بندر ترکمن، البته شورش های متعدد علیه خانهای منطقه که از طرف دولتها حمایت می شدند. بعنوان مثال قیام بی نظر معرف به اوزباش ( صد سوار) در منطقه مرزی استان گلستان و خراسان که توسط رضا میرپنج سوادکوهی ( رضا قلدور) که عنوان فرماندهی سواران قزاق را بعهده داشت، بوجود آمدن تشکلهای صنفی و کانونهای فرهنگی - سیاسی در منطقه بخصوص گنبد قابوس در مقاطع قیام ۵۷ و ...

در مقطع قیام ۵۷ که مردم پرشور به شوق آزادی و سرنگونی نظام دیکتاتوری سطنت پهلوی همراه دیگر خلقهای ایران به خیابانها ریختند، تبعیدیها به منطقه برگشتند، جوانان ترکمن به ژاندارمری و کلانتریها حمله کرده، مسلح شدند و عیله ارتش شاهنشاهی که از حمایت ساواک و خانهای منطقه و همچنین افراد مرتجع مذهبی به سرکردگی نقشبندی که از آخوندهای معروف منطقه بود برخوردار بودند، جنگ مسلحانه را پیش بردند. در اوایل بهار آزادی که خلقهای ایران از جور استبداد سلطنت رهایی یافته بودند، جوانان روشنفکر و مترقی کانون

بقیه در صفحه ۴



بیاد چهار آذرخش ترکمن ...

فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را سازماندهی کردند. و اداره شهرها و منطقه را بعهده گرفتند.



ترکمن شوراهائی را در منطقه و همچنین ستاد کانون ستاد خلق ترکمن که ستادی متشکل از تمامی نمایندگان خلقها از جمله ترکمن ها، کردها، بلوچ ها، زابلی ها، آذری ها، فارس ها، مازنی ها و تمامی اصناف از جمله کشاورزان، دامداران، ماهیگیران و ... منطقه بود را بعهده داشت. ( البته سابقه کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن خیلی طولانی تر از این مقطع زمانی است. ) ستاد خلق ترکمن برای بهبود و رفاه ساکنین منطقه از هیچ کمکی دریغ نداشت و بعنوان مثال کود و بذرها را انباشت شده در سیلوها و انبارهای سران رژیم پهلوی و خانهای منطقه بود را در بین کشاورزان محروم تقسیم نمود. برای برداشت محصول کشاورزان از نیروهای جوان و پیشگام که داوطلب بودند استفاده نمود. برای دامداران منطقه و واکنش‌سایون حیوانات، واکسن مجانی که توسط دامپزشک ها تهیه شده بود مهیا کرد، برای ماهیگیران سهولت و ابزار صید را مهیا نمود و .... طی یکسال عمر ستاد خلق ترکمن کارهایی صورت گرفت که شاید با تمامی دوران نظام پهلوی قابل قیاس باشد. ولی این بهار آزادی از همان بدو پیروزی قیام ۵۷ یعنی فروردین ۵۸ که انتخابات زود رس و فرمایشی جمهوری اسلامی توسط دولت موقت مهندس مهندس بازرگان و به رهبری خمینی، به خلق ها تحمیل شد که خلق ترکمن به این انتخابات نه گفت باعث کینه سرمایه و دولت ارتجاع را در پی گرفت.

رهبران ستاد خلق ترکمن از نیروهای روشنفکر و آگاه تشکیل شده بود که عمدتاً دارای دیدگاه های چپ رادیکال و سازمان چریک های فدائی خلق ایران بودند، سازمان چریک های فدائی خلق ایران از نفوذ قابل توجهی برخوردار بود. نماینده سازمان در آن مقطع ( عباس هاشمی ) هاشم بود.

در ۵ فروردین ۵۸ که رژیم ارتجاع اسلامی کم داشت پای خود را در حکومت محکم می کرد جنگی را به خلق ترکمن تحمیل کرد و با تمام نیرو و ارتش به منطقه لشگری کشی کرد، جوانان پرشور ترکمن به رهبری ستاد در تمامی منطقه سنگربندی کرده، تمامی ورودی ها به شهرها را بستند و به مقابله پرداختند بطوری که رژیم مجبور به عقب نشینی شد و نمایندگان را به رهبری آیت الله طالقانی برای مذاکره به منطقه اعزام داشت و این هیئت با رهبران به مذاکره پرداختند ولی چون ذات رژیم های ارتجاعی فریب و نیرنگ بوده و هست برخلاف وعده های داده شده عمل کرد، این مذاکره باعث شد که رژیم فرصتی بدست آورد و نیروهای پراکنده خودش را متمرکز کرده و این بار در بهمن

ماه همان سال با تمامی نیرو و قوا حمله گسترده علیه حکومت شوراهای آغاز کرد.

جنگ تحمیلی دوم ( دوره بنی صدر ) در صورتی بوقوع پیوست که ستاد در تدارک راهپیمائی و بزرگداشت ۱۹ بهمن ( سیاهکل ) بود. جلسات پرشوری در ستاد بود البته من بعثت کمی سن نمی توانستم در جلسات حضور پیدا کنم و از طریق توماچ در جریان امور بودم، در یکی از همین جلسات که به درازا کشیده شد ( ۱۷ بهمن ۵۸ ) چون رفقای دیگر وسیله نقلیه نداشتند و توماچ که یک جیب داشت وقتی می خواست رفقای دیگر یعنی مختوم، جرجاجی و واحدی را به منزل برساند، در راه توسط عوامل اطلاعات رژیم ربوده شدند و در جاده مینودشت - بجنورد ( چمن بید ) اعدام شدند و اجساد آنها بعد از چند روز یافت شد. البته حرف و حدیث فراوان گفته شده بعضی معتقدند که اول به اوین انتقال داده شده اند ولی واقعیت آن است که این رفقای شریف و دلسوز نه تنها برای ترکمنها بلکه برای تمامی خلقها، توسط افراد صادق خلخالی جلاد و به دستور مستقیم شخص خمینی از گنبد ربوده شدند و در زیر پل چمن بید توسط دژخیمان رژیم اعدام شدند. این فاجعه وحشتناکی برای ستاد بود و تمامی شوکه شده بودند و هنوز نتوانسته بودند خود را جمع و جور کنند و مسائل را تجزیه تحلیل کنند که هواپیماهای جنگی رژیم دیوار صوتی گنبد و منطقه ترکمن صحرا را شکستند و به دنبال آن تیپ گرگان، تیپ قوچان و بجنورد، لشکر ۷۷ مشهد حمله گسترده ای را علیه این خلق که گناهشان فقط آرامش و آسایش برای خلق ترکمن و تمامی خلقهای تحت ستم نبود، را شروع کردند. ستاد خلق ترکمن به سرعت حالت دفاعی به خود گرفت ولی متأسفانه دیگر دیر شده بود و نیروهای نظامی قبلاً در منطقه توسط خائنین ( اشرار، آخوندهای منطقه، حزب توده و بخشی از سازمان فدائی که سیاست حمایت از رژیم را ترویج می کردند و بعد از انشعاب به اکثریت معرف شدند ) فرصت مقابله را از جوانان راسخ و پرشور انقلابی ترکمن گرفت. رژیم برای سرکوب، تانگ های نظامی را در مرکز شهر و در نقاط سوق الجیشی از جمله بالای تپه برج گنبد مستقر کرد و از هر سنگری که گلوله ای شلیک می شد به توپ می بست. و این شد که بخشی از جوانان کشته و زخمی شدند و بخشی هم مجبور به گذر از مرز شدند و به ترکمنستان شمالی فرار کردند. و اکنون به اروپای مرکزی مهاجرت کرده و در کشورهای آلمان، انگلیس، سوئد و ... سکنا گزیدند.



نقش سازمان چریک های فدایی خلق نقش برجسته ای در سازماندهی شوراهای خلق ترکمن ایفاء نمود با وجود کم تجربه گی افراد، بازدهی بالایی را داشت. زیرا در مدت زمان کم حیات شورا، شوراهای

شهرهای منطقه را بنحو مطلوبی اداره کرد و همین باعث وحشت رژیم ارتجاع جمهوری اسلامی شده بود. بعد از سرکوب خلق ترکمن در سال ۵۸ افرادی مجبور به ترک منطقه شده یا مخفی شدند و این فرصت خوبی برای فرصت طلبان درون سازمان بوجود آورد تا خود را سازمان دهد، و شروع به جذب اعضای متزلزل درون سازمان نه تنها در منطقه بلکه در سرتاسر ایران کرد، رهبری سازمان در آن مقطع با خانئی چون فرخ نگدار بود. و او با یکه تازی در سازمان، تشکیلات را در خدمت رژیم و حزب توده قرار داد. و به این هم اکتفا نکرد بلکه وقتی رژیم دستور جمع آوری اسلحه را صادر کرد سازمان به تبعیت از او دستور تشکیلاتی داد که اعضاء به کمیته های رژیم رفته و شخصاً سلاح ها را تحویل دهند و همین امر باعث دستگیری خیلی از رفقا شد به بعضا در کشتار وسیع رژیم در سال ۶۷ به جوخه های اعدام سپرده شدند.

سازمان اکثریت بعد از اینکه تاریخ مصرف خودش را برای رژیم از دست داد و رژیم به سرکوب سازمان اکثریت و پدر خوانده اش حزب توده کرد، بخش رهبری از مرز عبور کرده و به کشور شوروی سابق گریختند و سعی کردند از آنجا به سازماندهی بپردازند. و کسانی که موفق به عبور از مرز می شدند در صورتی که با سیاست حزب و اکثریت مخالفت می کردند توسط ک - گ - ب به ایران استرداد می شدند و میدانید که چه مصیبتی بر سرشان می آمد. برای همین بخشی مجبور به پذیرش سیاست اکثریت می شدند و این را با خودشان حمل کردند. الان هم در کشورهای غربی ستادهای متعددی هستند که نام ستاد و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن را به پدک می کشند که بجز دنباله روی از سیاست سازمان اکثریت نیست. بخشی هم در عرصه ملی فعالیت می کنند که بیشتر ناسیونالیست های دو آتشه ترکمن را ایفای نقش می کنند و محفل عمل می کنند. متأسفانه بعد از لطماتی که سیاست های غلط سازمان برای خلق ترکمن بوجود آورد، بخشی از رفقای قدیمی و با تجربه گوشه انزوا گزیده اند و گریزان از سیاست شدند و اعتماد خودشان را نسبت به آرمان خلق، آرمان فدائی که همان آرمان راهبی از ظلم و ستم، آرمان سوسیالیسم و عدالت خواهی، آرمان همگرانی چپ رادیکال و کمونیست، چه در طیف خارج کشوری ها و چه در منطقه از دست داده و این بی توجهی این رفقا باعث یکه تازی افراد سودجو و فرصت طلبانی هم چون اکثریتی ها و ناسیونالیستها شده است. خلق ترکمن باید عزم و اراده خود را برای افشای کانونهای سیاسی که توسط این طیف دائر شده، جمع کنیم و این مدعیون کذابی منافع خلق ترکمن را رسوا نماییم.

در خاتمه از تمامی رفقای سابق که صادقانه به آرمان فدائی و خلق باور دارند، تقاضا دارم تا به دیدگاه های رفقای شهید که جان پر گران خود را برای خلق فدا کردند بنگرند. به دیدگاه های توماچ، مختوم، جرجاجی، واحدی و ... تا بتوان ضمن گرفتن سکانی که فرصت طلبان اکثریتی و توده ای به ناحق بدست گرفتند را باز پس گرفت و احیای ستاد **بقیه در صفحه ۵**

بیاد چهار آذرخش ترکمن ...

و کانون فرهنگی - سیاسی که در راستای حقوق حقه خلق ترکمن خونهای فراوان و بهای گرانی را پرداخته احیاء نمود. ★

به امید آن روز

یاد تمامی رفقای ترکمن که بخاطر آرمان فدائی و خلق جان باختند گرامی باد

زنده باد سوسیالیسم

زنده باد آزادی

مرگ بر کلیت رژیم ارتجاع جمهوری اسلامی ایران

بقیه از صفحه اول

مراسم بزرگداشت ماموستا ...



حسینی برگزار کنند. تجلیل از ماموستا عزالدین حسینی بعنوان شخصیت مبارزی که عمری رادراه آزادی و دموکراسی بویژه در دفاع از حقوق مردم زحمتکش کرد سپری کرد، ادای احترام برای همه انسانهای آزادیخواهی است که در برابر ستم و سرکوب مقاومت و مبارزه کردند و نیز یادآور حقوق زیر پا گذاشته شده خلق ستم دیده است که بعد از سالها مبارزه هنوز از تحقق خواست ها و مطالبات انسانی خود فاصله دارد و وظیفه انسانهای آزادیخواه و سوسیالیست است که با اتحاد صفوف خود و تشدید مبارزه علیه ستم و استعمار و زور و سرکوب مبارزات ناتمام انسانهای نظیر ماموستا حسینی را به اتمام رسانده و به آرمانها انسانی آنها جامه عمل بپوشانند. مانیز بنوبه خود یاد و خاطره ماموستا را گرامی داشته و به برگزارکنندگان مراسم وی در پاریس درود میفرستیم.

روابط عمومی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست  
ششم بهمن ۱۳۹۰

اطلاعیه مراسم را در زیر ملاحظه کنید

ماموستا شیخ عزالدین حسینی

روز دهم فوریه ۲۰۱۱ ماموستا شیخ عزالدین حسینی سمبل مبارزات مردمی در کردستان و مدافع استقرار رژیم دموکراتیک و لایبیک در ایران، از میان ما رفت. جمعیت کردهای مقیم فرانسه، برای بزرگداشت از این رادمرد مبارز راه آزادی و دموکراسی، مراسمی در روز شنبه یازدهم فوریه در پاریس برگزار می کند. از

آزادیخواهان و مبارزاندمکراسی درخواست می شود در این گرامیداشت شرکت نمایند.

جمعیت کردهای مقیم فرانسه

زمان: شنبه یازدهم فوریه ۲۰۱۲ از ساعت ۲۰ تا ۲۳

مکان:

FIAP Jean Monnet

Rue Cabanis, ۳۰

PARIS ۷۵۰۱۴

Métro : Glacière

Ligne : ۶

بقیه از صفحه اول

سالی که گذشت و سالی که ...

سال میلادی ۲۰۱۱ را پشت سر گذاشتیم سالی که از بسیاری جهات تحولات بی سابقه ای را در پی داشت. بحران مالی عمیقی که از معظم ترین کشور سرمایه داری جهان آغاز شده بود در سال گذشته برغم تدابیر همه جانبه ای که برای برون رفت از آن اندیشیده شد، جز خالی کردن جیب توده های زحمتکش مردم و گسترده تر شدن دامنه بحران نتیجه دیگری در بر نداشت. بحران در سال گذشته نه تنها فروکش نکرد بلکه بتدریج دامن سایر کشورهای سرمایه داری را نیز دربر گرفت تبعات آن از اروپا گذشته کشورهای کمتر توسعه یافته خاورمیانه را نیز در هم نوردید. اما عمق بحران و لاینحلی آن ناتوانی نظام سرمایه داری را هم نشان داد و به بیداری مردم و به آگاهی آنها از ریشه های فقر، نابرابری، جنگ و گرسنگی افزود. درسهای اخیر برای اولین بار جنبش های توده ای اجتماعی اقشار محروم جامعه بردروازه قلعه سرمایه داری بعنوان مسبب همه بدبختی های خود کوبیدند. سال گذشته جنبش اشغال وال استریت مطالبات دیگر و آرمانهای دیگری را با خود به همراه آورد، آرمانهای برابری طلبانه و سوسیالیستی، و در فاصله کمی آنرا جهانگستر کرد. سال ۲۰۱۱ شاهد جنبشهای عظیم اجتماعی در کشورهای عربی بودیم حاکمانی که در آغاز سال هرگز تصور نمیکردند تا آخر سال از قدرت به زیر کشیده خواهند شد.

در سال ۲۰۱۱ بحران، تظاهرات، اعتصابات و قیامهای توده ای هم در اروپا و هم در کشورهای عربی خاورمیانه تیر مهمترین روزنامه ها و وسایل ارتباط جمعی جهان را بخود اختصاص داده بودند. برغم بسیاری از ویژه گیهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و مذهبی، که کشورهای آمریکا، اروپا و خاورمیانه را از هم متمایز میسازد، اما در هر دو سو اعتراضات نه فقط قدرت سیاسی حاکم، بلکه طبقه حاکم را نیز زیر ضرب گرفت. با این وجود بحرانهای و اعتصابات و اعتراضات و شورش ها و قیامهای عمومی زحمتکشان هنوز راه حل مطلوب خود را نیافته است. سال ۲۰۱۲ در انتظار است تا بریستر خود شاهد حل کدام یک از مسائل اجتماعی اقتصادی

و سیاسی پیچیده کنونی باشد. شواهد و قرائن نشان میدهند که امسال نیز بحرانهای، اعتراضات، اعتصابات و قیامها بازمهم سرتیتر مهمترین وسایل ارتباط جمعی را بخود اختصاص خواهند داد. سال گذشته در کشورهای حوزه یورو بحران پولی به بحران اقتصادی و ناتوانی در پرداخت قروض سرسام آور دولتها به بانکها .... این همه به بحران موجودیت اتحادیه پولی اروپا تشدید بحران اقتصادی و اجتماعی و سیاسی اخراج های دسته جمعی، پائین آمدن قدرت خرید مردم، پائین آوردن سطح دستمزدها در حین افزایش تورم قطع و یا پائین آوردن سطح خدمات اجتماعی افزایش سن بازنشستگان و در نتیجه گسترش اعتراضات تظاهرات و شورشهای خیابانی و اعتصابات عمومی که گاه با سقوط دولتهای برسرکار در برخی از این کشورها نیز توأم بود، در آخر سال نشانی از فروکش نداشت این بحرانهای نیز خود را کشان به آخر سال ۲۰۱۱ رسانده و وارد سال ۲۰۱۲ شدند بی آنکه چشم اندازی برای حل آن ها در کوتاه مدت وجود داشته باشد. در سال ۲۰۱۱ در کشورهای عربی خاورمیانه و شاخ آفریقا جنبش های اجتماعی توده ای بر علیه نظامهای حاکم بر این کشورها به یکی از حوادث سیاسی برجسته دنیا تبدیل شد. هر چند که فشار قیامهای متعدد توده ای برخی از دیکتاتورپها را به زیر کشید و یا آنها ناچار از کناره گیری از قدرت شدند، معهذرا در فقدان نیروی قدرتمند انقلابی، دول معظم سرمایه داری و در راس آنها امپریالیسم آمریکا دست بالا را گرفت و قبل از اینکه جنبش توده های مردم فرصت سازمانیابی داشته باشند کنترل اوضاع را بدست گرفتند تا جنبش های اجتماعی آزادی خواهانه و برابری طلبانه را مهار و با تعویض و جابجائی مهره های اصلی و رسوای حاکمیت ها، ماشین دولتی را دست نخورده نگهدارند. جریانات اسلامی که اغلب آنها بدست امپریالیستها و طبقات حاکم در برابر جریانات دموکراتیک و سوسیالیستی در این کشورها ساخته و پرداخته شده بودند با پول و سلاح امپریالیستها و مرتجعین منطقه مجهز شدند و در سازش با حاکمان گذشته طی « انتخاباتی » در قدرت شریک شدند. چه کسی است نمیداند که در رژیمهای دیکتاتوری اگر به مردم قیام کننده فرصتی داده نشود تا خود را متشکل کنند و از طریق فعالیت آزاد پیشروان خود، سطح تشکل و آگاهی خویش را بالا بیاورند برنده انتخابات کذائی جز حاکمان قبلی و جریانات مذهبی که فرصت سازماندهی و امکانات سوار شدن بر توه توده ها را دارند، کس دیگر نخواهد بود؟ مسئله اما عبارت از این است که: آیا حاکمان باصطلاح جدیدی که با دخالت سیاسی و حمله نظامی قدرت های خارجی و کمک های بی دریغ مالی و تسلیحاتی آنها و با تکیه به ماشین دولتی حاکم قدرت را بنام توده ها بدست گرفته اند هرگز قادرند و حاضرند مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه توده های زحمتکش مردم را برآورده بکنند؟ چنین است که برغم سقوط دیکتاتورها اما جنبش ها هم چنان ادامه دارد و بحران اقتصادی و سیاسی در این کشورها نیز همچنان که بودند پا به سال ۲۰۱۲ میگذارد در سال جدید همه چیز وابسته به این است که آیا جنبش های اجتماعی سوسیالیستی و چپ و دموکراتیک قادر

بقیه در صفحه ۶

سالی که گذشت و سالی که ...

خواهند بود خود را متشکل کرده و به مثابه نمایندگان متشکل طبقه کارگر، زحمتکشان و زنان و جوانان نیروی پایه خود را در سازمانهای انقلابی و طبقاتی متحد و متشکل و نسبت به منافع طبقاتی خود و دوستان و دشمنان خویش آگاه و روشن سازند یا نه، با اندک رفرمی گول زنده و توهم آفرین در به همان پاشنه سابق خود خواهد چرخید؟



سال گذشته شاهد تولد دیگری هم بودیم. تولد جنبش «occupy wallstreet..» جنبشی که از بطن نارضایتی های عمومی برخاست به همانگونه که در سالهای گذشته و مثل همیشه و هر از گاهی شاهد آن در کشورهای پیشرفته سرمایه داری بودیم. در گذشته نیز هرگاه بقول معروف «مته پرزورمشد» نارضایتی های عمومی بوسیله جوانان معترض بیکار و دانشجویان در تظاهرات و شورش های شهری بیان میشد. اما این یکی واقعا تولدی تازه بود. نه از این منظر که اکنون بزعم برخی روشنفکران «مارکسیست» گویا از این پس دنیای سرمایه داری بدست این جوانان معترض زیر و زبر خواهد شد و بقول سوسیالیست های نادم، دیگر نیازی به طبقه کارگر و حزب و تشکل وی و تئوری انقلاب و انقلاب ... نیست! بلکه از این منظر که اکنون جنبش این جوانان توده وار که درون شان انباشته از گوناگونی ها و تضادها است این بار درست به خال زده است. تازه بعد از ۱۶۰ سال از انتشار مانیفست کومیسیت، این جنبش های عمومی اعتراضی بویژه اعتراضات ائتشارمحترم منسوب به قشر متوسط و پائین خورده بورژوازی اکنون درمیابند که عامل ادبار گاه و بیگاه شان نه خدا و پیغمبر و نه قضا و قدر است بلکه همان بتی است که روزی هزاربار در مقابل اش سجده میکنند. بعنوان کارگران تحت ستم و استثمار مداوم نظام سرمایه داری که رو به سوسیالیسم دارند خوشحالیم که این بخش از در بندان بورژوازی نیز اکنون بیدار میشوند و بدون شک هر جا که بلند شوند و هرگاه که به پا خیزند طبقه کارگر ورود آنها را به سنگر مبارزات ضد سرمایه داری خوش آمد خواهد گفت. هنوز باید منتظر شد و دید نوسانات ذاتی این ائتشار بینابینی آنها را به کدام سمت سوق خواهد داد و در سال ۲۰۱۲ به ساز کدام طبقه خواهند رقصید. جای امیدواری است که هنوز یکی دو روز بیشتر از سال جدید میلادی را سپری نکرده ایم که جنبش وال استریت در آمریکا با اعتصابات کارگران در هلند و اعتراضات عمومی در یونان، مجارستان، آلمان، اسپانیا، پرتغال در هم آمیخته و اعلام میکنند که «بانک ها وثیقه دریافت

کردند و به ما چوب حراج زدند» ورود جنبشهای اجتماعی به کارزار مبارزه درسال جدید آنچنان است که گوئی میخواهند بر سرعت بحران غلبه کرده و امسال آنها با حدیث بیشتر و روحیه انقلابی فراتری به مصاف به طلبند. مسئله مهم دیگر خروج نیروهای آمریکائی از عراق است. البته با وجود ماندگاری بیش از بیست هزار نیروی آمریکائی با ده هزار کارمند سفارت این کشور در عراق که از سیر تا پیاز این کشور را زیر کنترل دارند نمیشود اسم اش را خروج کامل نیروهای آمریکائی از عراق گذاشت و مدعی شد که سرکرده امپریالیستها دم اش را گذاشت روی کولش و از عراق فرار کرد! زیرا علاوه بر نفوذ موثر نیروهای آمریکائی در ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی عراق، آمریکا هنوز پایگاه های خود در کشور را حفظ کرده است و نیروهای اضافی خود را که از عراق خارج نموده است راه دوری نبرده و در پایگاه کویت متمرکز و حضورمستمر دارند. اما در همین حدود هم که اعلام شده نیروهای آمریکائی عراق را ترک نموده اند، بدون شک توام با تنش های جدید در عراق خواهد شد. قوم و قبیله ها و عشایر و مذاهب مختلفی که زیر سر نیزه قدرت نظامی آمریکا باهم کنار آمده بودند هر کدام بنوبه خود به دول مرجع اطراف و اکناف وابسته هستند اینک بار دیگر در مقابل هم خواهند ایستاد. با خروج آمریکاییها انفجار ده ها بمب و با ده ها کشته و زخمی و فرار معاون رئیس جمهور «طارق ال هاشمی» به منطقه اقلیم کردستان، بهانه گیریهای مختلف دولت شیعه عراق برای استقرار نیروهای ارتش و بعدا انتظامی در داخل و مرزهای کردستان با ایران و ترکیه و سوریه و... نشاندهنده وضعیت بسیار ناپایداری است که ممکن است ثبات سیاسی عراق را از آنچه که هست بدرت کند. اما در این گیر و دار وسایل ارتباط جمعی آمریکا و اروپا با رویکرد حذف و یا کم اهمیت نشان دادن فعل و انفعالات ارتش آمریکا در منطقه و در افغانستان و پاکستان «خطر» برنامه اتمی ایران برای صلح و ثبات منطقه و جهان را در بوق و کرنا کرده اند. در حالیکه ژانسن انرژئی اتمی هنوز مدرکی در اینباره ارائه نکرده است، متعاقب بزرگ کردن خطر ایران برای ثبات و امنیت منطقه، جمهوری اسلامی متهم به توطئه برای قتل سفیر عربستان سعودی در آمریکا شد. متعاقب آن در ۱۵ دسامبر ۲۰۱۱، ژرژ دانیل، قاضی فدرال آمریکا ایران را دخیل در ترورهای ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ دانسته و اعلام کرد که ایران تجهیزات لازم را در اختیار القاعده قرار داده بود. بموازات این اتهامات، تشدید تحریم اقتصادی، تحریم بانک مرکزی و تصویب توافق اصولی اتحادیه اروپا برای تحریم خرید نفت از ایران و... در فاصله کمی یکی بعد از دیگری تمام توجه ها را به سوی ایران جلب نموده است و با توجه به تاثیرات تشدید تحریم ها و تحریم بانک مرکزی و تحریم خرید نفت (در صورتی که عملی گردد) بحران اقتصادی و سیاسی عمیق تر و تنش های اجتماعی در ایران بیشتر کرده و اعتصابات و اعتراضات توده ای را گسترده تر خواهند شد. امری که نه تنها مورد پسند جمهوری اسلامی نیست و به سرکوب و فریب بیشتر روی خواهد آورد بلکه تا آنجائیکه رادیکال و واقعا دموکراتیک و مستقل باشد

(سوسیالیستی پیشکش!!) مورد پسند قدرت های معظم سرمایه داری و در راس آنها امپریالیسم آمریکا نیز نخواهد بود آنها و نیز دول مرجع منطقه از چنین تحول انقلابی در ایران که میتواند همچون برق و باد تمام منطقه را تحت تاثیر قرار دهد، هراسناک اند. از طرفی با توجه به ضعف تشکل و آگاهی و سازمانیابی ائتشار و طبقات درگیر در مبارزه، بویژه طبقه کارگر و پیشروان و کادرهای آن که قدرتمند ترین طبقه در پیکارهای اجتماعی محسوب میگردد، اکنون این سؤال مطرح است که آیا در سال جدید جنبشهای اجتماعی در ایران و در راس آنها جنبش کارگری، از آنچنان آگاهی و سازمانیابی و رزمندگی برخوردار خواهند شد که جمهوری اسلامی را سرنگون کرده و بر سرنوشت خویش حاکم شوند؟ یا بقول عوام «بعداز سوریه نوبت ایران است» و طبقه کارگر و توده های زحمتکش مردم ایران در سال ۲۰۱۲ نیز سرنوشت خویش را بدست باد خواهند سپرد. ★

## سال جدید میلادی را به شما شادباش میگوئیم



در سال ۲۰۱۱ بحران اقتصادی و سیاسی ارکان نظام سرمایه داری را به لرزه درآورد و جنبش های اجتماعی با اعتراضات، اعتصابات، تظاهرات و قیام های متعدد خود کشورهای

اروپا، آمریکا و خاورمیانه را در بر گرفت. برغم سقوط دولتها در چند کشور اروپایی و نیز سقوط دیکتاتور ها در برخی از کشورهای خاورمیانه و شاخ آفریقا، اما بحرانهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی بدون اینکه راه حلی یافته باشند وارد سال ۲۰۱۲ میشوند.

از طرفی جنبش های اجتماعی آزادیخواهانه و برابری طلبانه نیز که در سال ۲۰۱۱ بطور بی سابقه ای آتش زیر پای قدرت های مسلط را داغ کرده و بر دروازه های نظم حاکم در کشورهای مزبور کوبیدند، اما در فقدان تشکل و تحزب لازم و با دخالت نظامی و سیاسی امپریالیستها در مسیر خود با فریب و سرکوب مواجه شده و همچنان در پی مطالبات و خواسته های خود به مقاومت و مبارزه ادامه میدهند.

بنابراین، سال ۲۰۱۲ نیز پذیرای تداوم این جنبشهای اجتماعی بر علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب نظامهای سرمایه داری حاکم در هر رنگ و لون آن خواهد بود.

آرزو میکنیم سال جدید میلادی برای کارگران و زحمتکشان جهان، سال بیداری، آگاهی و سازمانیابی بمنظور مبارزه ای مشترک و متحد علیه نظامات استثمارگرانه و سرکوبگرانه حاکم باشد. سال نو بر همه شما مبارک باد!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

## بس کن ای آفتاب!

بنگر که هر کنار  
هر سوی این دیار  
در شهر و کوه و جنگل  
یکریز، بی امان  
جاریست خون عشق!  
هر گوشه، هر کنام  
خونخوار کرکسان،  
بردار می کنند  
عقابان روزگار!  
بنگر چگونه باز  
در شهر بی بهار  
در هر گذار و راه  
فواره می کشد ز تن  
شهر قلب سرخ!  
بس کن ای آفتاب!  
بر گیر این نقاب!  
سوزان تر از همیشه  
بیرون شو از حجاب

جنگل عزا گرفته بر  
این خاک سوگوار  
از زرد زخم مزرعه  
آتش گرفته دشت،  
بر دل نشانده تاول  
مهتاب زخماک  
آن آبی بلند  
آن باغ سرگذشت  
بس کن ای آفتاب!  
در زیر چشم تو  
دیرنده سال هاست  
کز هر کجای شب  
خون می چکد به خاک!  
خون گیاه باور  
خون بلوغ عشق  
خون برادرانم  
یاران همنفس  
این پر گرفته گان  
افتاده در قفس!



ار دیبهشت ماه ۵۱  
برزین آذر مهر

### انتشارات کمیته های سازمان اتحاد فدائیان

#### کمونیت

نشریه ریگای گه ل ( ارگان کمیته کردستان  
سازمان ) شماره ۶۰ منتشر شد

پاراسیلکا ( نشریه جوانان و نوجوانان  
کمیته کردستان ) شماره ۲۰ منتشر شد

نشریه دان الدوزو ارگان کمیته آذربایجان

برای دریافت نشریات سازمان اتحاد فدائیان  
کمونیت به سایت سازمان مراجعه نمائید  
[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)  
[www.azerfedayi.org](http://www.azerfedayi.org)

معیشت و زندگی میلیونها نفر از کارگران و خانواده آنها سرو کار دارد همینطوری و فی البداهه برای رفع و رجوع گرفتاریهای روزمره ناشی از تناقضات عدیده در قوانین جاری نیست، بلکه حکایت از آن دارد که رژیم جمهوری اسلامی با پیش بینی اوضاع روبرو خامت اقتصادی و اجتماعی، در حال طراحی استراتژی جدیدی است که بتواند با تحمیل ریاضت اقتصادی بر کارگران و زحمتکشانشان از عهده آن برآید. یکی از این تدابیر هم دور زدن ماده ۴۱ قانون کار درباره تعیین دستمزدها است. واقعیت این است که افزایش تورم به بالا رفتن سرسام آور قیمتها منجر شده است که با تشدید محاصره اقتصادی و تحریم بانگ مرکزی و سایر مراکز اقتصادی، مالی و تجاری ایران توسط کشورهای غربی، افزایش بیشتر تورم را موجب خواهد شد. تورمی غیر قابل پیشبینی و غیر قابل کنترل. در این صورت دولت و کارفرماها بر حسب ماده ۴۱ میباید حقوق کارگران را به میزان تورم و سبب معیشت خانوار تعیین و پرداخت کنند. روشن است که سرمایه داران از تن دادن به چنین افزایشی خودداری خواهند کرد و دولت نیز در شرایط پیش روی نه میخواند و نه توان پرداخت چنین مانا به التفاوتی را در خود میبیند. از این رو میخوانند با فصلی کردن تعیین حد اقل دستمزد ها، از افزایش دستمزد ها با محاسبه سطح تورم در اول هر سال خود داری کنند و بدین ترتیب هم میتوانند از افزایش و تثبیت حداقل دستمزد بر مبنای سطح تورم به مدت طولانی خودداری بکنند و هم با نوسان سطح تورمی که خود در اول هر فصل اعلام میکنند قیمت نیروی کار را نیز در سطحی ارزان و لرزان نگهدارند. با توجه به تبعات مختلف حاکم کردن چنین قانونی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، روانی بر زندگی و معیشت کارگران، سازماندهی مخالفت یکپارچه با چنین تلاشهایی از سوی سرمایه داران و دولت از لویت های فعالین جنبش کارگری محسوب میگردد.



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.  
۱- حداقل مزدکارگران با توجه به درصد تورمی  
۲- حداقل مزد بدون آنکه مشخصات جسمی و روحی کارگران و ویژگی های کار محول شده را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه ای باشد تا زندگی يك خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می شود را تامین نماید.  
تبصره - کارفرمایان موظفند که در ازای انجام کار در ساعات تعیین شده قانونی به هیچ کارگری کمتر از حداقل مزد تعیین شده جدید پرداخت نمایند و در صورت تخلف، ضامن تادیه مابه التفاوت مزد پرداخت شده و حداقل مزد جدید می باشند. هر چند در اصلاحیه تغییراتی در این ماده داده شده است ولی همانطور که در پائین ملاحظه میکنید کماکان درصد تورم اعلام شده توسط بانگ مرکزی یکی از معیارهای تعیین حد اقل دستمزد محسوب میگردد.  
در عین حال باید توجه داشت که رقم اعلام شده رسمی برای تعیین سطح تورم توسط بانگ مرکزی همیشه با سطح تورم واقعی متفاوت بوده و سطح تورم ماذل واقعی همیشه بسیار بالاتر از سطح تورم اعلام شده توسط دولت است.

تغییر ماده ۴۱ قانون کار: ماده ۴۱ قانون کار مربوط به تعیین حداقل مزد می باشد. در طرح جدید و اصلاح شده قانون کار، که هنوز جنبه قانونی و اجرائی بخود نگرفته است ماده فوق الذکر به این صورت تغییر یافته است.

درصد تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی  
تأمین معیشت زندگی يك خانواده به تعداد متوسط  
شرایط اقتصادی کشور و بخش های مختلف  
اقتصادی  
بهره وری

فصل دهم - شورای عالی کار  
ماده ۱۶۷ - در وزارت کار و امور اجتماعی شورایی به نام شورای عالی کار تشکیل می شود. وظیفه شورا انجام کلیه تکالیفی است که به موجب این قانون و سایر قوانین مربوطه به عهده آن واگذار شده است اعضای شورا عبارتند از:

- الف - وزیر کار و امور اجتماعی، که ریاست شورا را به عهده خواهد داشت.
  - ب - دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیات وزیران که يك نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد.
  - ج - سه نفر از نمایندگان کارفرمایان ( يك نفر از بخش کشاورزی ) به انتخاب کارفرمایان.
  - د - سه نفر از نمایندگان کارگران ( يك نفر از بخش کشاورزی ) به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار. ★
- پیدی شیوانی

تبصره ۲- شورای عالی کار می تواند با در نظر گرفتن موارد مذکور و شرایط اجتماعی - اقتصادی مناطق یا فعالیت های مختلف، میزان حداقل مزد کارگران را متناسب با آنها تعیین نماید. همان طور که ملاحظه می شود، ضوابط جدیدی برای تعیین حداقل مزد در نظر گرفته شده که خواست های کارگران را برآورده می سازد. میبینیم که هم در قانون فعلی و هم در اصلاحیه آن تاکید شده است: که هر سال حداقل مزدکارگران با توجه به درصد تورمی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود» تعیین میگردد. بدین ترتیب روشن است که دور زدن این ماده از قانون کار و نظرخواهی اعضای شورای عالی کار \* (۱) از کمیته های استانی درباره امری که با دستمزد و حق

# Kar@fedayi.org



آخرین اخبار و گزارشات، مقالات، اطلاعاتی ها و نشریات سازمان را از سایتهای زیر دریافت کنید

[www.fedayi.org](http://www.fedayi.org)

[www.kare-online.org](http://www.kare-online.org)

برای تماس با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و یا ارگانهای آن با یکی از آدرسهای زیر تماس بگیرید

کار کمونیستی آنلاین

[info@kare-online.org](mailto:info@kare-online.org)

روابط عمومی

[webmaster@fedayi.org](mailto:webmaster@fedayi.org)

کمیته کردستان

[kurdistan@fedayi.org](mailto:kurdistan@fedayi.org)

کمیته تهران

[tehran@fedayi.org](mailto:tehran@fedayi.org)

کمیته کرج

[karaj@fedayi.org](mailto:karaj@fedayi.org)

کمیته آذربایجان

[azer@fedayi.org](mailto:azer@fedayi.org)

مسئولین پالتاک

[paltalkroom@fedayi.org](mailto:paltalkroom@fedayi.org)

کمیته امور پناهندگی

[panahjo@fedayi.org](mailto:panahjo@fedayi.org)

## تسلیت به خانواده همکاران



شورای کارگران فازهای دهگانه متأسفانه با خبر شدیم اینبار حادثه ای هولناک در فولاد یزد باعث مرگ ۱۸ کارگر شده است و دهها کارگر دیگر بشدت مجروح و هم اکنون در بیمارستان بسر میبرند. ما شورای مجامع عمومی فازهای دهگانه در عسلویه مراتب تسلیت و همدردی

را با خانواده های همکاران و همسرانشان در فولاد یزد ابراز میداریم. همکاران ما و خانواده هایشان قربانی بی مسئولیتی و سود جوئی کارفرماها شدند. در چند ماهه اخیر دهها کارگر دیگر جان خود را در محیط ناامن کار از دست دادند. از مرگ ۱۳ کارگر در جریان غرق شدن شناور کوشا مدت زیادی نمیگذرد. تنها چند روز بعد از این حادثه در فاز یک کارگر دیگری در یکی از چاهها دچار خفگی شد و جان باخت. کارگری در فاز ۱۵ دچار حادثه میشود. محیط کارمان تبدیل به قتلگاه شده است. اعتراضات کارگران به نا امن بودن محیط کار و حوادث اخیر باعث شده است رسانه ها گزارشات و آماری از قربانیان حوادث کار بدهند. مهر ماه سال گذشته تعداد کل فوت شدگان حوادث کار در کشور یک هزار و ۲۹۰ نفر بوده که یک هزار و ۲۷۱ نفر آنان مرد و ۱۹ نفر زن بودند. در ادامه این گزارش آمده است در ۶ ماه اول سال جاری از کل افراد فوت شده در حوادث کار نیمه اول امسال ۷۷۰ نفر مرد و مابقی زن هستند که استانهای تهران و اصفهان به ترتیب با ۱۰۷ و ۱۰۱ نفر فوتی در رتبههای اول و دوم مرگهای ناشی از حوادث کار قرار دارد. در آذربایجان شرقی در نیمه اول سال جاری ۶۵ کارگر جان خود را از دست دادند. باید گفت آمار جان باختن دهها کارگر دیگر تنها در یکی دو ماه اخیر هنوز اضافه نشده است. مرکز پزشکی قانونی رسماً ۱۸ درصد افزایش مرگ در محیط کار را اعلام کرده است قربانیان حوادث کار در فارس ۴۱ درصد افزایش یافت است. تعداد قربانیان حوادث کار استان فارس در نیمه اول امسال ۴۱٫۵ درصد افزایش یافت. به گزارش خبرگزاری مهر، اداره کل پزشکی قانونی استان فارس در این خصوص اعلام کرد که تعداد قربانیان حوادث کار استان فارس در نیمه اول امسال ۴۱٫۵ درصد افزایش یافت یعنی از رقم ۴۱ نفر مدت مشابه سال قبل به ۵۸ نفر رسید. کل فوتیهای حوادث کار شش ماهه نخست امسال مرد بودند در حالیکه در نیمه اول سال گذشته ۴۰ مرد و یک زن قربانی حوادث کار شدند. قربانیان حوادث کار استان فارس در سال گذشته ۱۰۹ نفر شامل ۱۰۸ مرد و یک زن بوده اند. اینها تنها آمار کارگرانی هست که رسمی هستند و یا در شهرهای بزرگ و مراکز صنعتی جان باختند. در طول سال جاری دهها کارگر ساختمانی حفاری و آجرپزی در حین کار جان باختند که اسامی آنها جزو این آمار نیست. آمار و ارقام واقعی نیستند. اما با این حال همین آمار هم وحشتناک است.

ما شورای کارگران فازهای دهگانه به همکاران خود در سایر مراکز صنعتی اعلام میکنیم که باید برای ناامنی محیط کار چاره ای بجوئیم تا با مرگ هر کارگر خانواده ای نابود نشود. همکاران عزیز در اولین فرصت مجامع عمومی خود را برگزار و شوراهای واقعی خودتان را ایجاد کنید. برای اینکه محیط کار ایمن باشد لازم است سیستم ایمنی کار استاندارد شود و نمایندگان کارگران مرتباً بر امنیت محیط کار نظارت داشته باشند. ★



# کار، مسکن، آزادی، جمهوری فدراتیو شورایی!